

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

In the Name of Allah, the Beneficent, the Merciful

زیبا زیستی انسان

Beauty-living of human

نویسنده: محمود صانعی پور

Author: Mahmoud Saneipour

In 2 languages, Persian and English

پیامبر فرمود: عشق است، عشق است، عشق است که بر زمین مانده است.

The prophet said: it is Love, it is Love, and it is Love that has remained on the earth.

درماندگی متفکران از تعریفی دقیق و جامع و مانع از زیبایی، بی ارتباط در عجز از تعریف هنر نیست. شاید به خاطر اینکه تعریف زیبایی و هنر، همه نسبی و ناپایدار است. و این جواهر با تعاریف موجز در مدار و جریان حقیقت سیر نمی کنند و تعاریف برای تمام گوهرهای حقیقی، دایر مدار سیر و سلوک آنان نبوده و با ایجاز کلام هم نمی توان به تعین این معارف پرداخت، البته هیچ قاعده ای را نمی توان یافت که برای زیبایی یا هنر و هر گوهر نهفته در هستی جهان را بطور کامل ارائه دهد، چون غیر ممکن است بگوییم یک اصل مربوط به ذوق، به معنای یک گزاره کوتاه است که می توان مفهوم ذاتی را تحت چپش کلماتی چند تدوین نمود و سپس با کمک یک قیاس صوری، چه درنگاشت مغزی و چه در صورت اعیانی، نتایج و استنباط متیقن و مکفی از آن اتخاذ کرد و سپس مدعی شویم که این شیء و یا موضوع مورد نظر ما زیباست

Insolvency of Thinkers around Detailing and definition of beauty is as the same Detailing and definition of art, perhaps, they often fixed their minds about these definitions as relative things and unfaithful generally, and essence of beauty don't

be known to all and not sightseeing the truth path, and these definitions aren't for truth of essence at all, and nobody can show us exalted behaviour about this matter and we never find a formula that definitude truth of beauty and around art and each hidden entity existence in the world completely .

Therefore having interest or be elegance isn't meaning of truth and making paper, so a Formal Syllogism won't acceptance instead a conceptual substance , in fact , beauty not only mapping in mind , simple imaging or visible picture , because it is a deduction of spiritual contemplative based , certainly, efficient and sufficient.

این در ماندگی را تا اندازه ای می توان با توصیف بجای تعریف جبران کرد ، مشروط بر اینکه در تعین رمز و راز حقیقت موضوع مورد نظر ، فقط به توصیف اعیانی و ادراکات حسی بسنده نکرد که در توصیف جواهر حقیقت و تشخیص زبان حق و قدرت بیان ذات آن و سخنوری در میدان وصف حقایق، با کلامی رفیع و سخنی بلیغ پرداخت ، باید به اندرز امام علی بن ابیطالب "ع" توجه کرد که فرمود : توصیف ذات حق ، به تصورات عینی و ملاحظات حسی ابنای بشر مجاز نیست (نهج البلاغه – خطبه اول ، در اوصاف حقیقت خداوند متعال) و چه بسا ، که در تعمیم این سخن و معیار حقیقت سنج آن، نتوان سایر ذوات حقیقی را بر حسب هر منوتیکی به رسم زبان شناسی غرب ، به دایره توصیف حسی – ابطالی کشاند که مایه عیش و نوش شهوت پرستان ، پیاله نوشان و مزه خوران سوداگران جهان بوده و در این راستا ، از زیبا زیستی و حقایق آن ، آن بخش را به خود اختصاص دهند که کاخ سازی ، سالن های با شکوه برای رقاصی های مختلط شبانه و... که از چند و چون فرضیه بافی سوداگران مرگ و دوزخیان روی زمین (فرانتس فانون) و انسان گرگ انسان است (توماس هابز) حاصل می شود .

It is maybe describe Insolvency instead define of Insolvency Partially, Providing Nothing this description instead truth and comprehension by the senses take in place of Epistemology (James Frederick Ferrier, (born June 16, 1808), Ferrier's Hegelian epistemology (a word that he introduced into English) and ontology are based on the concept of the unity of the act of knowledge, which combines the knowing subject and the object known. In his view, the mind cannot apprehend anything

except in conjunction with an apprehension of itself, and the distinction of subject and object is a source of error. Only minds in synthesis with what they know can be said to exist. Thus, a mind cannot be “ignorant” of what is allegedly unknowable (as the Kantian “thing-in-itself” was said to be), since ignorance must refer to what is still knowable though not actually known.

According as Ali (peace be upon him) saying: description of truth(or right) in essence isn't allowed (Nahj-article one), because we don't have an instrument of truth in Sensory revocation sciences, and beauty meaning in Sensory revocation is namely: Building of castles, winter castles, summer castles, Raincoat castles, dancing, Getting naked, Drinking wine, Cry down, and etc. (Thomas Hobbes: man is wolf of man, Frantz Fanon : Les Damnés de la Terre).

بنابراین زیبا زیستی امری جامع افراد و مانع اغیار است ، و مشمول امتحانات و انشاء الهی و حقیقت برتری بر آن ، یعنی جوهر حکمرانی جهان است و به صرف خوش آمدن ها ، ادای تکلیف و یا رافع مسولیت ها ، اقدام مهمی حاصل نمی شود ، چرا که زیبایی را نمی توان تنها بایک عینک دلخواه رویت کرد ، و یا زندگی را باهر عینکی ، زیبا دید و با کلمات فریبنده ، و برای فرزندان آدم طرحی بدیعی را تولید و پخت و پز نمود

Therefore, becoming of Biological beautiful is affair of comprehensive matters and preventing of unnecessary or indirect matters, and isn't a speech that be Saying for will pleasing somebodies, in fact. We have responsibility in any statement, why so, nobody can see Beauty by an Arbitrary Glasses alone, and say Crafty words in the association of wises.

دیدگاه کانت در مورد زیبایی و حکمت غائی آن ، به عرضه مباحثی پیرامون نقادی در موضوع قضاوت اشخاص مرتبط میشود (در واقع در نظر وی ، زیبایی از موضوعات قضاوتی است و حسن زیبایی بر حسب قضاوت احساس کننده مربوط میشود) و این موضوع از دو قسمت تشکیل میشود و در کتاب سنجش خرد ناب

بحث طولی بدان اختصاص داشته و از اهمیت کاری که در این داشته است ، دفاع میکند و این دفاعیه در سراسر نقادی او تصریح دارد ، در قسمت اول " در نقد قضاوت در مورد زیبایی ، کانت زیبایی را از نقطه نظر تجربه مورد بحث قرار می دهد و بخصوص آنجا که به لحاظ تجربی ، زیبایی و والائی آن در آثار هنرمندان خلق میشود" (به مقاله مولف در مورد فراواقعیت درون انسان مراجعه شود) و در قسمت دوم بحث " نقد زیبایی متوجه قضاوت اشخاص در مورد زیبایی است " او بحث میکند که نقش غایت شناسی و مبتنی بر قضاوت (یعنی استیناف شناسی و محکمه پسند بودن زیبایی برای فیصله دادن به تامین مقاصد و اهداف) مربوط به فهم طبیعی عمومی افراد و طبیعت علم است (که باید از نقطه نظر معارف اسلامی نقد شود- مولف) (به مدرک ذیل ترجمه این قسمت مراجعه شود).

Kant's views on aesthetics and teleology are given their fullest presentation in his Critique of Judgment (Kritik der Urteilkraft, also translated Critique of the Power of Judgment), published in 1790. This work is in two parts, preceded by a long introduction in which Kant explains and defends the work's importance in his critical system overall: in the first part, the "Critique of Aesthetic Judgment," Kant discusses aesthetic experience and judgment, in particular of the beautiful and the sublime, and also artistic creation; in the second part, the "Critique of Teleological Judgment," he discusses the role of teleology (that is, appeal to ends, purposes or goals) in natural science and in our understanding of nature more generally. , the other two being the Critique of Pure Reason (1781, with a second edition in 1787), which deals with metaphysics and epistemology, and the Critique of Practical Reason of 1788, which, alongside his Groundwork of the Metaphysics of Morals of 1785, deals with ethics, Stanford First published Sat Jul 2, 2005; substantive revision Wed Feb 13, 2013).

از این رو برای ورود صحیح به حیطه زیبا شناسی ، نخستین صورت زیبایی طبیعت است. چون نخستین صورت محسوس که مثال در آن خود را نمایان می سازد همان طبیعت است، کانت در این رابطه ، زیبایی را این چنین تعریف می کند: " حس لذت و اشتیاق از طریق آزادی و بازی نگاشت ، منتج از آزاداندیشی بوده

وفاقد حس لذت متعالی است ، حس لذت عالیه ، منبعث از فعالیت های هیجانی وکاشفانه است واین چنین اشتیاقی آمیخته ،از نارضایی ورنج بردن بوده (هدف دار) سرچشمه میگیرد ، کانت زیبایی را در واژگانی از انواع خلاقیت ها وبعید از لذات تعیین می کند که صور متضاد هستند واین صور از چهار عنصر بمعنی حضور مشتاقانه ولذت بردن ویژه از زیبایی را این چنین تنظیم می کند(1) اشتیاق های متغیر مثل "خوب " و " خوش آیندی " واین گونه لذت بردن از مفهوم زیبایی تهی است ، ولی جذابیت دارد واین نوع دل بستگی ها وخوش آمدن ، فاقد مقاصد عالیه بوده ونسبت به اهداف متعالی بی طرفانه است (2) از اشتیاق های متغیر نوع دیگر ، خوشایند های از زیبایی است که فاقد مبنای مفهومی میباشد بعبارتی دیگر ، فاقد لذت مفهومی است (3) این مورد لذتی است که از حقیقت ثابت ودرون انسانی حاصل کرده وفرمان میدهد(در واقع دراین لذت واشتیاق ، امر مقدری وجود دارد که بن مایه لذت را تشکیل میدهد – از مولف در رساله حقیقت حقیقت) واز هر مقصود خارجی (از این بن مایه) تبعیت نمی کند (4) درجنبه حضور ، لذت از زیبایی ، برخاسته از شوموم تحصلی از قراردادها (به روح میثاق وقراردادهای اجتماعی نوشته مولف مراجعه شود) وموافقت های (بهتر است بگوئیم از قوانین هستی – مولف) سرچشمه میگیرد ، این همان هدف عالیه ای است که انسان از علم حضوری کسب میکند وضرورتی است که مبتنی بر رضایت فرد از هستی میباشد وما بدینسان ، برای نیل باین هدف عالیه همدستان شده وبا قضاوتی صحیح از آزمون الزامات ذهنی تحصیل شده از یک طرف ونیز هدایتی که این اشتیاق حاصل از هدف تعیین شده از قبل ، مارا بسوی ابدیت سوق میدهد وحس همگانی ما اینست که اینک اهداف ذهنی ما به حوزه اعیانی تبدیل گردید واین اشتیاقی است که پیروی میکنیم "

In this case, for entrance into Aesthetic, at first, should be recognize of fraction in natural area, because the first tangible pictures those show us, are verily nature surly , in this regard , Kant define the meaning of beauty as this : “pleases through the free play of imagination and understanding and sustains the mind in restful contemplation. The sublime presents a disharmony between sensual capacities and reason. Thus, the feeling of the sublime carries with it a mental agitation: it is a pleasure compounded with displeasure. Kant defines beauty in terms of a peculiar kind of pleasure that consists in paradoxical features. He formulates four elements

of the pleasure evoked by beauty, (1) unlike the pleasures of the good and the pleasant, the pleasure of the beautiful is devoid of all interest. It is a disinterested pleasure. (2) Unlike other pleasures, the pleasure of the beautiful is not based on concepts. It is a non-conceptual pleasure. (3) The pleasure of the beautiful is a form of purposiveness without the presentation of a purpose. That is, the beautiful object demonstrates an inner order that is not subordinated to any external purpose. (4) The pleasure of the beautiful raises expectations for universal agreement. It is cognized as the object of a necessary liking. The necessity of universal assent that we associate with judgment of taste is a subjective necessity that we present as objective by presupposing a common sense. Kant, therefore, defines beauty as subjective-objective” <http://science.jrank.org/pages/8444/Beauty> “

نمی خواهیم در مورد زیباییشناسی، فقط به سخن کانت بسنده کنیم ، زیرا این اقیانوس حقیقت را نمی توان با این بضاعت کم و این تجهیزات ابتدائی غواصی کرد ، چرا که با این تعاریف و مثال ها نمی توان به قاعده ای محکم و دقیقی از زیستن زیبا پی برد. این تعاریف همه نسبی هستند. مخصوصا تعریف کانت که بر پایه ی ذوق و رضایت بوده و ذوق و رضایت در افراد مختلف با عوامل و شرایط مختلف تغییر پیدا می کند

We don't want only be enough To Kant's speech around the aesthetic, because we can't Diving the truth Ocean with these a few abilities and primary mobilizations, Why so, with these definitions and Examples, we can't realize to steadfast rule and Close around **“Beauty-living of human** “Specially that Kant's definition is pleasure and satisfaction based and these definitions will change by conditional different and factors upon Taste of people.

زیبائی و حقیقت ذاتی آن که تاسیس " مکتب زیبایی " را الزام میکند با عناوین و مداخلی هویت و ماهیت می پذیرد که از صاحب حق شرف صدور یافته و در این نوشته اشاره شده است ، تا از صداقت حقیقت بهره بگیرد و از حقیقت را «بزک» کرده ، تمیز داده شود، یعنی زیبا زیستن، با ید زیبایی ذاتی خودش را جلوه کند و از صحت ذاتی برخوردار باشد .

Beauty and Inherent of truth that should establish a “school of beauty” in this regarding, Containing of Headlines, details, Identity, Nature and another’s substances those getting from truth, because decreed by Allah is hidden in our heart, purposes and the meaning of this subject is differ between Honesty of truth and Toiletry of truth, in other words, “**Beauty-living of human**” should be reflected self- Nature-beauty into society system.

آیا زیبایی حاصل نموده‌های عینی است فقط در طبیعت یافت میشود و در هندسه فراکتالیستی طبیعت معنادار است یا فقط فراکتالیست ها آنرا فهم میکنند ، یا آنقدر که با حقیقت قلب و قلب سلیم مرتبط است با دستگام مغز و اعصاب سر و کاری ندارد ، به عبارت دیگر می خواهیم بفهمیم که لئونارد داوینچی ، این همه آثار زیبا و برجسته از گردش قلم موئی بدست آورده که در داستان وی می رقصیده است و معنای دیگری بوده است و قلم مو از معنا شناسای لئونارد مایه می گرفته است یا همچنین کمال الملک و سایر هنرمندان نامی جهان .

Do beauties rise objectives of phenomenon and have found only in nature? Or there are in fractal’s geometry naturalism, or do Fraktalyst understand this subject? Or Owners of peaceable hearted or brain and Nerves system? How Leonardo davinci obtained these all distinguishes relies of beauty and how his brush was dancing on his hands?

معرفت شناسی زیبایی در غرب ، مساوی است با دل بستگی زیبایی در مورد زیبایی که بحثی بسیار قدیمی است ، در چنین فلسفیدن ، یک زیبایی خیالی با ترکیبی از عناصر برای زندگی خوب تعریف میشود ویا آنچه با این اندیشه های نسبت پیدا میکند .

این تفکر از کجا بوده و آغازگر و شمول آن در تعریف زندگی از چیست ؟ تاریخ روشنی بیان نشده است ، اما ما معتقد هستیم این جوهر زیبایی (جوهر درونی انسان) از بیانیه ها و آیات الهی که توسط پیامبران حقیقی به مردم ابلاغ شده است و در متون زبانشناسی غرب مورد غفلت قرار گرفته است و غرب این جوهر درون را به متافیزیک یا مکتب اثبات گرائی تفسیر نموده و راه را برای رسیدن به حقیقت قلب بسته است

The Epistemology of beauty in the west is equal Philosophical interest in beauty that began with the earliest recorded philosophers. And in way of philosophism , Beauty was deemed to be many factors ingredient in a good life about this matter, where it was to be found like thinking, and how it was to be included in a life were prime considerations, it has not a clear history, but in our belief, beauty is a manifestation and verses of the divine on the earth those from truth prophets Have Communicated to people and those have neglected in the texts of west, s Linguistics and the west has interpreted this internal essence into metaphysical or positivistic approach , and has closed the truth way to the people , in fact, this is the luminosity of heart that makes manifest at who are wise.

یکی از تعاریف ناقص از زیبایی این عبارت است: " هرکس از هرچه لذت میبرد ، آنرا زیبا میداند " انسان باید خیلی خام باشد که این تعریف را قبول کند ، بدیهی ایست که زیبایی حقیقتی است که نزد هر فردی از بنی آدم باید زیبا باشد ، چنانچه خیر خواهی امری زیبا و شرارت امری مذموم و زشت است و اگر کسی از شرارت خودش نسبت به دیگران ، لذت می برد ، این لذت شیطانی است و شیطان و خوی شیطانی و هواهای نفسانی چنین شرارت پیشه ای ، به وی لذت های کاذب داده است ، پس یک تفکیک منطقی در مورد زیبایی ، تقسیم آن به لذات حقیقی و لذات کاذب و غیر حقیقی است .

One of imperfect definition about beauty is this sentence “whoever enjoy from everything that will know as beauty “, of course, the individual should be very raw who accepts such this definition, in the event that, benevolence is imperative beauty, on the contrary, mischief is indecent and sins surely, if who enjoys from self-mischief to the others, these deliciousness will be of satanic behaviour and these deliciousness are wrongs and false, then, there is the logical separation in regarding beauty , will be divide them into truth pleasure and false pleasure .

این تفکیک از نظر شرعی و عقلی ، یک تفکیک اصولی و قابل تشخیص و توصیف است و معلوم میکند که فقط لذت بردن معیار نادرستی برای وصف زیبایی است ، راقم این سطور در این مورد در سی رساله علم

مفید پیرامون این قاعده ، بحث مستوفی انجام داده است و با این قاعده بسیاری از علوم انسانی عصر حاضر ، در افول بطلان قرار میگیرند ، علمی چون روانشناسی ، مغز و اعصاب شناسی ، داروشناسی ، تغذیه و سلامت جسم و روان ، اخلاق و رفتاری فرهنگی و نظایر اینها ، به علت عدول از ذوات حقیقی و تبعیت نسبی از عناصر مذموم ، مسیر ابطال را طی می کنند .

This separation from rational and lawful is an essential segmentation and that is distinguishable and Descriptive matters and will make known that enjoying only not correct description for beauty and it is an incorrect criteria , these criteria will make cancel from numerousness of human sciences in this present age, no doubt.

حقیقت با عشق حقیقی شناسائی می شود و تا زمانی که ابنای بشر از عشق سر در نیاورند و جوهر وجود این سرمایه را فهم نکنند و این بن مایه حیات را در قلوب خویش نهادینه نسازند و گام های اصولی آنرا یکی پس از دیگری ننمایند و شادی های آنرا در افکار و مقاصد خود بکار نگیرند و نابیت و چابکی لازم برای امر مهم پیدا نکنند به کشف زیبا زیستی نائل نشده و فقط سخن بافی میکنند .

Truth will be known with recognition of truth love, and while whosoever don't understand the truth love, and they won't to use intelligence around these treasure and won't Institutionalization these Source of life in their hearts and not travelling through straight path and they couldn't amendment their truth objectives, they can't discover “ **Beauty –living of human**” and they have tell coiner of words.

بعضاً چنان وانمود میکنند که ابنای بشر در روی کره زمین ، قادر به تاسیس این چنین زیبا زیستی نیستند ، یعنی باید کره دیگری ، با آدم های دیگری باید جستجو کرد که میتوانند با نگرش زیبا زیستی ، حیات واقعی را در روی کره منظور ایجاد بنمایند ، در این جا ، عقیده ما اینست که زیاده خواهی ها ، و شرارت پیشه ها و کسانی که کره زمین فقط برای خودشان می خواهند ، مانع این راه راست هستند که خوشبختانه هر روز که سپری میشود ، دنیا با استاندارد های جدیدی از رهیافت زندگی حقیقی آشنا میشود و ما اینک وارد قرن بیولوژی شده که بیولوژی نشانه ها ، یکی از مهمترین شاخص های آنست .

Somebody shows as this, that mankind can't establish such as” **Beauty-living of human**” on the earth, its means, we should seek another globe and others humans those who establish a real life on it, it is we opinion those whoever surplus wanted and mischiefs want the earth for self them only, and these are who prevent people from the straight path.

Fortunately, every day that finished constantly, the world become familiar with new standards of real life Approach, and now we arrived into biology century that shows us its biological signs to address of important indexes of these matters.

خبر بشارت انگیز اینست که بشریت امروز با درون نگری فراواقعیت ها (به مقاله مولف در این مورد مراجعه شود) آمادگی شنیدن این مطالب لطیف و جذاب است ، و این میتواند نقطه آغازین این طرح مکتب زیبا زیستن باشد و در این آمد و شد ها ونشست وبرخاست ها ، نوشتن وانتشار دادن ها، گفتن ومتن گفتمانی ساختن ها ، نقد وانشاء نمودن ها، و صدها اقدام دیگر که کما بیش آغاز شده است ، فضای مفهومی برای زیبا زیستن را فراهم کنیم که هم به تکلیف خود عمل کرده باشیم واز این پند واندرز دادن ها، حداقل خودمان ، راهی به سعادت بیابیم وکاروان محدودی از رهروان این راه تشکیل داده وعمر عزیز را به تباهی نگذرانیم . به امید آینده ای روشن وخدا پسندانه ، وتوکل بر خدای رحمان وبازگشت بسوی ذات ربوبی ودرخواست توفیق از ایزد منان ، محمود صانعی پور ، مورخ 94/6/7

This is a Good tidings, nowadays humanity with Trarealism in self- Unconscious are ready for lessening this attractive and pure subjects , and this is our beginning point into establish the beauty- living school in the world.

Good luck

Mahmoud saneipour

8/29/2015